انا حبل الله المتین و انا عروه الوثقی

منم آن ریسمان محکم خداوند، منم آن دستگیره استوار خدا.

دیدگاه

توحیدیه و پندیه‌ها در اشعار گذشته مداحی مشهودتر بود

مجید طاهری، مدیر آموزش خانه مداحان درباره وضعیت آموزش مداحان در گفت‌وگو با مهر درباره تفاوت نظام آموزش مداحی در گذشته به‌خصوص در دهه‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی اظهار کرد: با توجه به محدودیت قابل توجهی که در گذشته درزمینه فعالیت‌های آموزش مذهبی وجود داشت، این آموزش رفته رفته تا عصر انقلاب اسلامی رو به کاستی می‌رفت. پس از آن میزان افرادی که به دنبال استاد و آموزش می‌گشتند نیز گسترش پیدا کرد و از یک هنرجو و یک استاد به تعداد فراوانی از گروه‌های مختلف برادران، خواهران و نوجوانان و مؤسسات آموزشی تبدیل شد. اساتید پیش از انقلاب، همان مداحان سنتی بودند که تنها بر حفظ اشعار طولانی تأکید داشتند و ارائه و یادگیری فنون را به حضور هنرجو در مجالس رسمی، الزام می‌نمودند و به دلیل کوچک بودن دایره آموزش‌های شخصی و اجتماعی، گاهی اجازه داده نمی‌شد تا چندسال، هنرجو در مجالس به عنوان مداح ظاهر شود.

مدیر آموزش خانه مداحان کشور در خصوص وضعیت آموزش مداحی عنوان کرد: مسلم است امروزه نباید مانند گذشته، دایره آموزش‌ها را محدود به استادان نمود؛ زیرا نظام اسلامی، خود تولیدکننده بزرگ مصالح لازم برای آموزش یک مداح اهل بیت(ع) است. اگر هنرجو نخواسته باشد پای درس استادان بنشیند نیز قادر خواهد بود با آنچه در فضاهای گسترده مرتبط، اعم از حقیقی و مجازی منتشر می‌شود، خود را به سطح قابل قبولی از توانایی‌ها برساند؛ بنابراین دیگر نه تنها ما با آموزش‌های شخصی روبه‌رو نیستیم، بلکه آموزش‌ها از نوع اجتماعی شده است. اگر وضعیت آموزش گذشته را منقبض بدانیم بحمدالله هم اکنون با انبساط مواجه‌ایم.

وی با بیان اینکه تعامل سازنده بین شاعران و مداحان در اثرگذاری مداحی بسیار ضروری است، گفت: آن شاعری می‌تواند جوابگوی سلایق مداح باشد که خود نیز مداح و یا همیشه از پامنبری‌های مداح باشد تا بتواند اوج حساسیت‌ها را مشاهده نموده و بشناسد. مداح باید یا خود شاعر باشد و یا شعری که از یک شاعر می‌خواند را برآمده از دل خویش پندارد و منعکس نماید.

وی در پاسخ به اینکه چه تمهیداتی از گذشته برای ارتباط بیشتر بین شاعران و مداحان وجود داشته است، عنوان کرد: درگذشته مجامع خاصی تشکیل می‌شد تا شاعر و مداحان گرد هم آیند و اشعار منتقل شود و یا از طریق چاپ کتاب و یا حضور در منازل شاعران، این اتفاق ممکن می‌شد؛ اما حالا سهولت انتقال شعر به مداح به‌قدری است که مداح، شاعر را نمی‌بیند و نمی‌داند از کجا شعرش منتقل شده است؛ زیرا اشعار به‌سرعت قابل ملاحظه‌ای در فضای مجازی پخش می‌شود و حتی در خارج از کشور نیز در یک لحظه دسترسی به اشعار میسر خواهد بود.

طاهری به ظرفیت‌هایی که در گذشته در شعرهای مداحان وجود داشت اشاره و احیای آن را ضروری دانست و گفت: توحیدیه و پندیه‌ها در گذشته بیشتر مشهود بوده و به طور خاص و مجزا به آن می‌پرداختند؛ ولی امروزه در قالب مدایح و مراثی و به صورت زیرساخت آن‌ها، دیده می‌شود. نوع نظام حکومتی و جامعه و مذهبیون در نگاه شاعران بسیار مؤثر است و می‌توان گفت اشعار شاعران، بازتابی از نحوه سلوک محیط شاعر است.

مدیر آموزش خانه مداحان به راهکارهای بهبود سطح اشعاری که شاعران می‌گویند و مداحان می‌خوانند اشاره و تصریح کرد: آموزش و نقد، دو مؤلفه مهم همیشگی است و گرچه ممکن است در زمان‌های مختلف تأثیرات متفاوت و شدت و ضعف‌هایی در آن‌ها وجود داشته باشد؛ اما هیچ‌گاه نمی‌توان حذفشان نمود.

موعظه

آیت‌الله حائری شیرازی

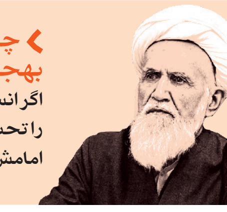

چرا همه شاگردان آیت‌الله قاضی بهجت و طباطبایی نشدند؟

اگر انسان قدر این حجت باطنی که خدا به او داده را بداند و خودش را تحت کفالت عقلش در بیاورد «لَئِن شَکَرْتُم لَأَزیدَنَّکُم» تحت کفالت امامش هم قرار می‌گیرد «ان لِلّهِ علی الناس حجه ظاهره و هم الانبیاء و حجه باطنه و هو العقل». انسان اگر از عقل خودش استفاده نکند از استاد اخلاقش بهره‌مند نمی‌شود. این‌هایی که شاگرد آیت‌الله قاضی بودند همه‌شان آقای بهجت و آقای طباطبایی نشدند، این‌ها درجه کفالت عقلشان نسبت به خودشان بالا بود، بهره‌ای هم که از آقای قاضی گرفتند بالا بود. کسی نگوید اگر من استادی مثل آقای قاضی ببینم چه جور اطاعتش می‌کنم یا چنین و چنان، برو ببین عقلی که خدا بهت داده چه جوری اطاعتش می‌کنی، همان کاری که می‌خواستی همراه با آقای قاضی بکنی با عقلت بکن. این نعمتی است که اگر انسان قدرش را دانست می‌شود «لِإن شکر تم» و نتیجه‌اش «لأزیدنّکم» است؛ یعنی از حجت باطنی ترقی می‌کنی می‌رسی به حجت ظاهری. تمام کسانی که دلشان می‌خواهد از دین بهره‌مند شوند، باید از عقلشان خوب استفاده کنند، تمام کسانی که از دین محروم شدند قبلاً از عقلشان خوب استفاده نکردند. عقل انسان مثل انبیاست هر چه انبیا می‌گویند عقل انسان هم به انسان می‌گوید، انبیا می‌گویند لغو نگو، لغو گوش نکن، عقل هم می‌گوید «کلما حَکَمَ بِهِ الشَّرع حَکَمَ بِهِ العقل» چون هر دو حجت هستند، هر دو از یک کارخانه آمدند آن که اَنبیا را حجت کرده عقل را هم حجت کرده. خدای تعالی عقل را حجت ظاهریه قرار داد، از این به بعد انسان خودش می‌داند؛ آنچه به عهده خدا بوده انجام داده، حال اگر انسان به وظیفه‌اش توجه نکرد، خودش می‌داند. هر که به هر جا رسید از همین جا رسید که به خودش کمک کرد. بزرگ‌ترین کمک انسان به خودش این است که عقلش را امام جماعت خودش قرار بدهد؛ همان طور که کسی زودتر از امامش رکوع نمی‌رود زودتر از او سر از رکوع برنمی‌دارد، حرکت نکند تا عقلش حرکت نکند سخن نگوید تا عقلش سخن نگوید، گوش بگیرد ببیند عقلش چه چیزی می‌گوید همان را بگوید، عقلش می‌گوید صبر کن صبر کند، عقلش می‌گوید تأخیر نکن تأخیر نکند. اینکه انسان جوش می‌زند یک معلم اخلاقی داشته باشد، اگر معلم اخلاق داشتم چه می‌کردم چی می‌شد، این عقل از معلم اخلاق معتبرتر است، چون معلم اخلاق حجت نیست، معصوم نیست ولی عقل تو حجت است، منتها عقل برای آنچه می‌داند معصوم است.

اقتصاد اسلامی

«Qardus» به دنبال تأمین مالی کسب‌وکارهای حلال در اروپاست

استارت‌آپی برای مسلمانان بریتانیایی

استارت‌آپ Qardus در لندن را صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و متوسطی تشکیل می‌دهند که در گرفتن وام از بانک‌های متعارف نظام بانکی بریتانیا با مشکل روبه‌رو شده‌اند.

به گزارش ایکنا، صنعت تأمین مالی اسلامی از جمله بخش‌های مالی در جهان است که در سال‌های اخیر و با توجه به رشد جمعیت مسلمانان و کارنامه نسبتاً موفق شرکت‌ها و بانک‌های فعال در این حوزه در حال پیشرفت است.

بخش بزرگی از این پیشرفت به دلیل شرکت‌ها و استارت‌آپ‌های اسلامی است که در حوزه تأمین مالی اسلامی و فین‌تِک اسلامی فعالیت دارند. قوانین خاص این بخش سبب شده نه تنها مسلمانان بلکه غیرمسلمانان و همه افرادی که معتقد به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی هستند، از حضور در پلتفرم‌های مرتبط با حوزه تأمین مالی اسلامی استقبال کنند.

براساس تحقیقات گزارش وضعیت اقتصاد جهانی اسلامی در سال مالی ۲۰۲۱-۲۰۲۰، مصرف‌کنندگان مسلمان بیش از ۲ تریلیون دلار در سطح جهان در سال ۲۰۱۹ هزینه کرده‌اند. بیشتر این هزینه‌ها مرتبط با غذا و محصولات دارویی و آرایشی حلال است ولی حوزه تأمین مالی اسلامی هم در حال رشد و گرفتن بخش مهمی از بازار حلال جهان بوده و به نظر می‌رسد این روند در سال‌های آینده هم ادامه خواهد داشت. بریتانیا از جمله کشورهایی است که با توجه به قوانین و مشوق‌های خود در حوزه استارت‌آپ‌ها توانسته به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در این بخش شناخته شود.

در این میان استارت‌آپ‌های اسلامی مانند Muzmatch از شهرت جهانی برخوردار شده‌اند. تخمین زده می‌شود حدود ۳٫۳ میلیون مسلمان در بریتانیا زندگی می‌کنند که بسیاری از آن‌ها نیاز به توسعه کسب‌وکارهای کوچک خود دارند اما به دلیل مسائل مرتبط با شریعت اسلامی از استقراض و گرفتن وام از بانک‌های دیگر به دلیل ربا نمی‌توانند کسب و کارهای خود را توسعه دهند.

■ **خدمات Qardus**

Qardus (قردُس) که در سال ۲۰۱۹ تأسیس شده، از جمله استارت‌آپ‌هایی است که در بریتانیا تلاش کرده موضوع وام گرفتن مسلمانان و چالش آن‌ها را در گرفتن وام بدون ربا آسان کند. Qardus خود را یکی از نخستین بازارهای تأمین مالی کسب وکار اخلاقی و منطبق با شریعت در بریتانیا می‌داند که براساس شریعت اسلامی عمل می‌کند. هزینه

qardus
Fund your Business
Invest your Money
Ethically

اولیه تأسیس این استارت‌آپ ۱۲۰ هزار پوند بود. نام این شرکت از کلمه عربی «قرض» گرفته شده است.

بیشتر مشتریان Qardus را صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و متوسطی تشکیل می‌دهند که در گرفتن وام از بانک‌های متعارف نظام بانکی بریتانیا با مشکل روبه‌رو شده‌اند. به گفته حسن داهر بنیان‌گذار Qardus، این استارت‌آپ حداکثر تا ۲۰۰ هزار پوند وام بدون بهره و شرعی را به شرکت‌های کوچک و متوسط واجد شرایط در ۳۶ قسط ارائه می‌دهد.

داهر در این باره می‌گوید: «ما به مشاغلی خدمت می‌کنیم که تأثیر مثبتی بر جامعه و محیط زیست دارند. در این شرایط اقتصادی، شرکت‌های کوچک و متوسط که سرمایه‌گذاران ما در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند، باید مدل‌های تجاری انعطاف‌پذیری داشته باشند و تاکنون پلتفرم ما این را منعکس کرده است. سرمایه‌گذاران روش ما را می‌پسندند و ما را به عنوان یک پیشنهاد منحصر به‌فرد و یک طبقه دارایی جداگانه می‌بینند. محصول ما برای سرمایه‌گذاران غیرمسلمان نیز جذاب است. با این حال، از آنجا که Qardus به خودی خود نمی‌تواند پول قرض دهد، در آن به روشی متفاوت که همان مرابحه است، عمل می‌شود. چشم‌انداز ما این است که نخستین بانک اسلامی تخصصی SME (شرکت‌های کوچک و متوسط) در سطح جهان باشیم».

مرابحه قراردادی است که به‌موجب آن عرضه‌کننده، بهای تمام‌شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به‌عنوان سود، آن را به‌صورت نقدی، نسیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند. این شرکت همچنین قصد دارد در سال‌های آینده وارد بازارهای دیگری نیز شود. براساس اعلام بنیان‌گذار Qardus، این شرکت در حال حاضر در بریتانیا و اروپا در دسترس است اما قصد ورود به بازارهایی کامل با ظرفیت بالا مانند خاورمیانه و آسیای مرکزی را دارد.

در گفت‌وگو با دکتر نجمه کیخا به مناسبت هفته پژوهش مطرح شد

جای خالی پژوهش‌های کاربردی اسلامی

زینب اصغریان | در آخرین روزهای هفته پژوهش، سراغ دکتر نجمه کیخا عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی رفتیم تا با ایشان از ضرورت‌های پژوهش اسلامی و به خدمت گرفتن آن در مسیر تمدن‌سازی حرف بزنیم. دکتر کیخا، پژوهش ناظر بر نیاز و مسائل کشور را راه حل تمدن‌ساز بودن آن می‌داند. مشروح گفت‌وگو با ایشان را در ادامه می‌خوانید.

■ **به عنوان پرسش نخست بفرمایید چرا عمده پژوهش‌های ما تک‌بعدی هستند؟**

از وجوه مختلفی می‌توان به این مسئله پرداخت. یک علت در اقتضائات علم جدید است یعنی علوم آن‌قدر از نظر تعداد افزایش پیدا کرده‌اند که یک انسان دیگر نمی‌تواند در همه این زمینه‌ها تخصص پیدا کند. از این رو به‌طور موردی در شاخه‌های مختلف علمی تخصص پیدا می‌کنند و به‌قول معروف جزئی‌نگر می‌شوند.

به تعبیر دیگر سیر علم این طور پیشرفت داشته است؛ حتی الان در حوزه‌های علمیه هم چنین رویکردی در پیش گرفته شده است که می‌توان از وجوه مختلف مثبت و منفی به آن نگاه کرد. اگر در گذشته حکیم و علامه داشتیم الان دیگر نمی‌توانیم چنین شخصیت‌هایی مانند علامه حسن‌زاده آملی که به علامه ذوالفنون معروف‌اند داشته باشیم.

در کنار روند تخصصی شدن علوم، در خود علوم انسانی تفکیک بین مباحث روحی، معنوی و واقعی اتفاق افتاد که این‌ها متأثر از مباحث اثبات‌گرایی قرار گرفتند. تلاش کردند علم اجتماعی اثبات‌گرا داشته باشند این نیز یکی دیگر از علل است. یک علت بسیار مهم دیگر نیز این است که مباحثی مثل اخلاق، فلسفه و امور معنوی را از دایره علم خارج کردند؛ حتی برخی‌ها پیشینه این مسئله را به ارسطو برمی‌گردانند و معتقدند ارسطو با تقسیم‌بندی بین حکمت نظری و حکمت عملی جدایی انداخت و علوم را شاخه شاخه کرد.

البته در حکمت اسلامی، مشائیون و فلاسفه‌ای که وام‌دار ارسطو هستند این تفکیک را زیاد می‌بینند ولی این حالت در دوره صفویه می‌شکند، یعنی در حکمت متعالیه بالاخره این حالت تفکیک را از بین می‌بریم که چهره شاخص آن ملاصدراست. ملاصدرا که عرفان را در کنار فلسفه نشاند، ما اوج تغییر را می‌بینیم.

■ **خلأهای اصلی در مباحث پژوهشی ما چیست؟**

عمده‌ترینش این است که اقتضای کار پژوهشی در نظر گرفته نمی‌شود. کار پژوهشی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، نیازمند یک فراغت است، یعنی از همه نظر فراغت داشته باشد. منظور از فراغت فقط وقت نیست یعنی پژوهشگر باید یک‌جور امنیت مالی داشته باشد، امکانات زندگی را در حد معقولی داشته باشد و زمان لازم را به او بدهند. کسی که فیزیک و شیمی می‌خواند و یا در رشته‌های فنی پژوهش می‌کند، اگر یک آزمایشگاه خوب داشته باشد می‌تواند در زمان کوتاهی به نتایج مطلوبی دست پیدا کند ولی متأسفانه در حوزه پژوهش در علوم انسانی چند مشکل وجود دارد؛ از جمله اینکه تصمیم‌گیرندگان ما عمدتاً غیر علوم انسانی‌اند و با همان عینک علوم طبیعی به علوم انسانی نگاه می‌کنند و طبیعی است نگاه زود بازده داشته باشند.

■ **آیا در حوزه پژوهش در علوم انسانی خیلی درگیر ظواهر کار پژوهشی نشده‌ایم؟**

این یک نکته خیلی کوچک از این مسئله است. وقتی کتاب‌های مؤثر را می‌خوانید و می‌بینید به زبان‌های مختلف ترجمه شده، برای نمونه وقتی مقدمه‌اش را نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید دست‌کم پنج سال برای آن وقت گذاشته شده است. یک بودجه پژوهشی در اختیارش بوده است، حتی اگر لازم شده به کشور موردنظر سفر و حتی مدتی زندگی کرده است و در این چند سال کتابی را نگاشته که واقعاً ارزش خواندن دارد اما این امر در ایران دیده نمی‌شود (بودجه و زمان و...).

■ **با این نگاه می‌توان ادعا کرد پژوهش‌های ما تمدن‌ساز نبوده است؟ برای به خدمت گرفتن این پژوهش‌ها در مسیر تمدن‌سازی چه باید کرد؟**

ورود تجدد و تأسیس دانشگاه در ایران به‌گونه‌ای بوده که شاید نتوانیم بگوییم تعمدی در این مسیر وجود داشته است. دانشگاه‌های جدید ما نسبت به غرب با تأخیر ایجاد شده است.

ما یک سنت حوزه داریم که از قدیم بوده است؛ مسئله این است سنت دانشگاه ما کاملاً مجزا از آن سنت شکل گرفته اما دانشگاه‌ها در غرب از دل همان مراکز حوزوی، مدارس اسکولاستیکشان و مباحث جدید به‌گونه‌ای از دل الهیات قدیمشان برآمده‌اند. ما در ایران بین سنت قدیم و جدید گفت‌وگو ایجاد نکرده‌ایم مثلاً سنتی که آگوستین و آکوئیناس در باب قوانین بحث می‌کرده‌اند، براساس همان مباحث آمده‌اند دانشگاه جدید را بنا کرده‌اند.

دانشگاه‌های ما براساس برخی نیازهای اداری‌مان شکل گرفته‌اند مثلاً دانشکده دیپلماسی که مورد نیاز وزارت خارجه بوده با احساس نیاز به حکومت‌داری و کشورداری ما تأسیس نشده بلکه ما همان سنت حقوقی فرانسه را آورده‌ایم.

برخی تعبیر می‌کنند انقلاب اسلامی تا پشت درهای رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌ها رسیده ولی نتوانسته به آن‌ها ورود کند.

پیش از انقلاب عمده مباحث دانشگاهی به‌صورت فنی و شکلی بود. مثلاً در حوزه اندیشه؛ پیش از انقلاب کتاب اندیشه‌ای در حوزه علوم سیاسی نداشتیم؛ به‌جز چند رساله که فروغی در باب آداب کشورداری نوشته چیزی نمی‌بینید؛ یا مثلاً وقتی کتب افلاطون و ارسطو و فلاسفه غرب ترجمه می‌شود در ایران کتابی نیست تا جایی که ظاهراً استاد مطهری به دکتر عنایت می‌گویند حالا که شما کتابی به نام «سیری در اندیشه سیاسی عرب» نوشته‌اید چقدر خوب است در «اندیشه اسلام» هم چنین کتابی داشته باشیم، این‌گونه است که احساس نیازهایی پس از انقلاب می‌شود. دکتر عنایت چون رساله دکترای وی- که در انگلستان دفاع کرده بودند – در باب اندیشه کشورهای عربی (اندیشه عرب) بود همان را ترجمه می‌کنند و «اندیشه سیاسی اسلام معاصر» را هم ایشان منتشر می‌نمایند.

اگر دانشگاه‌های ما در حوزه اندیشه اسلامی کم کاری کرده‌اند، الحمدلله از دل پژوهشگاه‌های ما محتوای خوبی تولید شده و ما پیشرفت زیادی داشته‌ایم. اینکه کارهای پژوهشگاهی وارد کارهای دانشگاهی شود بحث دیگر است.

■ **برای به خدمت گرفتن این پژوهش‌ها در مسیر تمدن‌سازی چه باید کرد؟**

کارهای پژوهشی باید طوری باشد که ناظر به مسائل باشد، ناظر به مشکلات موجود جامعه باشد؛ برای مثال نیاز است بخش‌های مختلف پژوهش به هم مرتبط باشند یعنی بین حوزه اجرا و حوزه موضوع‌یابی و مسئله‌یابی و همچنین حوزه پژوهش و آموزش هماهنگی وجود داشته باشد. الان هماهنگی‌ها قطع شده است به‌عنوان مثال دانشکده‌های علوم سیاسی هیچ ارتباطی با مجلس و وزارتخانه‌ها یا مثلاً با وزارت کشور ندارند.

■ **آیا آن‌ها نباید حل مسائلشان را از دانشگاه بخواهند؟**

زمانی که بنده همراه با دانشجویان به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی می‌رفتم، مطرح کردم این مسائلتان را بیاورید در دانشکده‌های علوم سیاسی تعریف کنید؛ ولی قبول نمی‌کردند و می‌گفتند دانشکده‌ها استادمحور هستند و بر اساس پروژه اساتید کار انجام می‌شود و ممکن است استاد دو ترم زمان بگذارد اما شاید ما بخواهیم مسائلمان را با یک ماه دیگر حل کنیم. شاید این مشکلات قابل حل باشند اما کسی به‌دنبال آن نمی‌رود.

■ **نقش پژوهش در ساخت هویت دینی چیست؟**

نقش پژوهش در این مسئله اصلاً قابل انکار نیست اما باید از روش‌های جدید در پژوهش هم بهره برده شود. به‌عنوان مثال کتاب‌های بسیاری در بحث حجاب نوشته می‌شود ولی وقتی این کتاب‌ها را در کنار هم قرار می‌دهید می‌بینید محتوایشان یکی است. تغییرات خیلی کمی انجام شده است گویی مخاطب، همان مخاطب ۳۰ سال پیش است.

در بحث حجاب، بانوی امروزی به‌خوبی دیده نمی‌شود که معلوم شود چه خواسته‌هایی دارد، چه انتظاراتی دارد، فضای فکری‌اش چیست یا پرسشهای الانش درباره حجاب چیست؟ روش باید تغییر کند. این روش که همیشه یک‌سری روایات و مباحث خاص و استدلال‌های مشخص و معین باشد همیشه کارساز نیست، این یک روش است در کنار آن شما می‌توانید از انواع روش‌های دیگر استفاده کنید. الان گفته می‌شود برای صحبت با جوان‌ها «تفکر انتقادی» را در جامعه رشد دهید؛ در این روش، انواع مباحث اقناع‌سازی و گفت‌وگو، بحث می‌شود.

■ **الان این‌طور نیست که پژوهش‌های اساتید در کتابخانه در حال خاک خوردن است؟**

به همین علت‌هایی است که ذکر کردم اما حقیقتاً کاری که مطابق نیاز جامعه باشد به هیچ وجه خاک نمی‌خورد و در اغلب موارد مخاطب خود را پیدا می‌کند. با روش‌های مرسومی نظیر نوشتن کتاب، کار پیش نمی‌رود. امروزه مهم‌ترین «ابزار»، ابزار رسانه است یعنی آن‌قدری که یک قطعه فیلم کوتاه و انیمیشن تأثیرگذار است یا حتی در قالب شعر و موسیقی باشد کتاب نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. به تعبیری در حوزه فرهنگی کار پژوهشی ما حتماً باید وارد حوزه هنر شود. کاری که غرب دارد الان انجام می‌دهد.

■ **چطور باید از پژوهش‌های کلیشه‌ای فاصله گرفت؟**

پژوهش‌ها در محیط دربسته و کتابخانه نوشته نشوند؛ پژوهشگر باید همه افراد را ببیند، در بطن جامعه حضور پیدا کند؛ از روش‌های میدانی استفاده کند؛ گفت‌وگو و مصاحبه انجام دهد؛ پرسش‌نامه تهیه کند دقیقاً همان چیزی که در جامعه می‌گذرد را بفهمد و با این شناخت، پژوهش انجام دهد.

■ **در حوزه پژوهش‌های تمدنی، چقدر کارهای ما انتزاعی و چقدر ناظر بر واقعیت میدانی است؟**

این نگاه وجود دارد اما نگاه دیگری هم هست که ما نمی‌توانیم بین آرمان و واقعیت تفکیک قائل شویم؛ این‌ها در ذهن ماست یعنی پژوهش آرمانی را در ذهن خود ترسیم می‌کنیم. ما باید واقعیات و ظرفیت جامعه را هم در نظر بگیریم. به‌عنوان نمونه وقتی عکس‌های امام موسی صدر در لبنان را نگاه می‌کنیم می‌بینیم ایشان در کنار خانم‌های بی‌حجاب ایستاده و با آن‌ها کار می‌کند. این‌طوری نیست که بگویند اول این خانم‌ها باحجاب شوند بعد با آن‌ها کار کنم؛ خیر سعی می‌کند مشکلات اقتصادی و فرهنگی این‌ها را برطرف کند، اصلاً خود این‌ها پذیرای تغییرات می‌شوند؛ این پذیرا بودن خیلی مهم است. الان نگاه ما به مسائل این‌گونه نیست.

اگر این اتفاق نیفتد گویی باید با خشونت مشکل را حل کرد در حالی‌که وقتی ما شرایط موجود در ایران را بررسی می‌کنیم می‌بینیم بسیاری از نارضایتی‌ها زمانی است که شرایط اقتصادی بسیار دشوار است؛ با بهبود شرایط خیلی از این مسائل خودبه‌خود حل می‌شود. بحث کارآمدی در همین شرایط مطرح می‌شود. وقتی شرایط اقتصادی مشکل دارد شما هرچقدر بیایید و بگویید حکومت اسلامی یک حکومت مطلوب است این حرف به معنای تضعیف حکومت اسلامی تلقی می‌شود.

این پژوهش‌های دینی ما خیلی با مسائل عینی ما در هم تنیده است و در هر شرایطی هنر آن پژوهشگر است که ببیند چگونه باید صحبت کند. در این شرایط هم می‌بیند هرچه بگوید نتیجه عکس دارد؛ مردم می‌گویند وقتی ما در مسائل و مشکلات اولیه زندگی‌مان مانده‌ایم چرا حرف از این مسائل می‌زنید.

■ **یعنی باید سکوت کرد؟**

آن کسی که هنر دارد سکوت نمی‌کند؛ می‌تواند مطابق شرایط صحبت کند ولی خیلی‌ها نمی‌توانند این سختی را به خودشان بدهند.

■ **به‌عنوان سؤال آخر فروش پایان‌نامه‌ها، کپی‌برداری پژوهشی و خرید مدرک تحصیلی را حاصل چه می‌دانید؟**

این موارد نشان می‌دهد ما در کار دانشگاهی خود داریم آدرس اشتباه می‌دهیم. یعنی وقتی ملاک را برای ارتقای شخص، پایان‌نامه قرار می‌دهید این اتفاقات هم می‌افتد، در حالی که اگر شایستگی طول تحصیل ملاک باشد شاهد این شرایط نیستیم. مثلاً می‌توانیم سؤال بدهیم و بگوییم راه حل عینی پیدا کند. ما این ظرفیت‌ها را به خرج نمی‌دهیم و همه دنبال امور ساده هستیم، دنبال دردسر نیستیم.

گزیده

زمانی که بنده همراه با دانشجویان به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی می‌رفتم، مطرح کردم این مسائلتان را بیاورید در دانشکده‌های علوم سیاسی تعریف کنید؛ ولی قبول نمی‌کردند و می‌گفتند دانشکده‌ها استادمحور هستند و بر اساس پروژه اساتید کار انجام می‌شود و ممکن است استاد دو ترم زمان بگذارد اما شاید ما بخواهیم مسائلمان را با یک ماه دیگر حل کنیم. شاید این مشکلات قابل حل باشد اما کسی به‌دنبال آن نمی‌رود.

تقریب

حجت‌الاسلام خسروپناه به شبهه‌افکنی اخیر پاسخ داد

شبهات باید در جمع علمی طرح شوند نه خطبه نماز جمعه

حجت‌الاسلام خسروپناه، رئیس شورای اندیشه‌ورز سازمان فرهنگی هنری و فرهنگسرای اندیشه براساس اسناد تاریخی و نصوص شیعه به شبهه مطرح‌شده در روزهای اخیر پاسخ داد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از روابط عمومی فرهنگسرای اندیشه، حجت‌الاسلام خسروپناه، معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس شورای اندیشه‌ورز سازمان فرهنگی هنری و فرهنگسرای اندیشه پاسخ شبهات اخیر را که از سوی یکی از ائمه جمعه اهل سنت بیان شده است براساس اسناد علمی و نصوص شیعه داد.

وی در جلسه درس خارج فقه بیان کرد: به‌تازگی یکی از ائمه جمعه اهل سنت شبهه‌ای را مطرح کرده است که البته بعداً عذرخواهی و اصلاح کرده است. از آنجا که شبهه‌ای مطرح شده و ما وظیفه داریم شبهات را پاسخ دهیم لازم است در ابتدای درس چند نکته را توضیح دهم.

حجت‌الاسلام خسروپناه بیان کرد: دشمنان و به‌ویژه صهیونیست‌ها به‌شدت تلاش می‌کنند اسلام تحریف شود و از بین برود، آنان با هزینه‌های فراوان سعی می‌کنند بین شیعه و اهل‌سنت اختلاف ایجاد کنند چرا که کار استکبار، تفرقه است. در هندوستان، بین هندوها و مسلمانان اختلاف ایجاد و آن کشور را به سه کشور بنگلادش، پاکستان و هندوستان تجزیه کردند و این جنگ‌ها همچنان ادامه دارد، بنابراین مداحان و سخنوران شیعه و اهل‌سنت باید مراقب باشند و محبت، فضائل و کرامات اهل بیت(ع) را بیان کنند. وی تأکید کرد: به‌عبارت دیگر باید همان شیوه‌ای که آیت‌الله بروجردی در تقریب مذاهب دنبال می‌کردند به‌کار بسته شود و علمای اهل‌سنت به‌ویژه آنان که در ایران حضور دارند بیشتر دقت کنند.

رئیس شورای اندیشه‌ورز سازمان فرهنگی هنری و فرهنگسرای اندیشه با اشاره به شبهه اخیر گفت: درباره بی‌بی شهربانو یا شاه‌زنان بحث‌های مختلفی در تاریخ وجود دارد و وحدت نظر دراین‌باره وجود ندارد، در اینکه آیا شهربانو همسر امام حسین و مادر امام سجاد(ع) بوده است یا خیر اختلاف است، همچنین درباره اینکه دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی بوده است یا خیر هم اختلاف است و نظرات فراوانی وجود دارد.

وی بیان کرد: حتی این اختلاف وجود دارد که آیا حضرت شهربانو در زمان حکومت عمربن خطاب به ازدواج امام حسین(ع) در آمد یا در زمان حکومت عثمان یا در زمان حکومت امیرالمؤمنین(ع)؟ برای مثال مرحوم کلینی، یعقوبی و مسعودی در کتاب اثبات‌الوصیه می‌گویند ازدواج حضرت شهربانو با امام حسین(ع) در زمان حکومت عمربن خطاب بوده است اما شیخ صدوق در کتاب عیون اخبارالرضا(ع) معتقد است این ازدواج در زمان عثمان بوده است، در نقطه مقابل، شیخ مفید و مرحوم طبرسی معتقدند این اتفاق در زمان امیرالمؤمنین(ع) به وقوع پیوسته است. مرحوم سیدجعفر شهیدی در کتاب خود می‌گوید «اصلاً چنین اتفاقی صورت نگرفته است»؛ او برای این ادعای خود شاهدی را از منصور دوانیقی آورده است. معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی ضمن جواب دادن به شبهه مطرح‌شده گفت: حال شبهه کجاست؟ ایشان می‌گوید «چون شما شیعیان اعتقادی به مشروعیت خلافت عمربن خطاب ندارید، بنابراین جنگ با ایران نیز مشروع نبوده است، گرفتن اسرا نیز مشروع نیست و ازدواج با کنیزی که در این جنگ به اسارت در آمده است نیز مشروع نخواهد بود و...».

وی تأکید کرد: جواب این شبهه این است که براساس آموزه‌های شیعه، جنگ ابتدایی زمانی مشروعیت دارد که اذن امام را داشته باشد، در این شرایط، خلیفه دوم یا با اذن امام با ایران جنگیده است یا بدون اذن؛ اگر جنگ او همراه با اذن امام بوده باشد، جهادش مشروعیت دارد هرچند خلافتش مشروعیت نداشته باشد اما اگر این جهاد بدون اذن امام بوده باشد، براساس نصوص شیعه، تمام اموال و یا اسرایی که به‌غنیمت گرفته شده است، تحت مالکیت مقام امام است، به‌عبارت دیگر، حتی اگر از نظر شیعیان جنگ خلیفه دوم با ایران مشروعیت نداشته باشد، تمام اموال و غنایمی که به‌دست آورده است، تحت مالکیت مقام امامت است، بنابراین اگر بی‌بی شهربانو به‌عنوان کنیز در اختیار امام قرار گرفته باشد، مالکیتش با امام بوده است و شبهه برطرف می‌شود.

این استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: دقت داشته باشید در تاریخ نقل شده وقتی حضرت شهربانو را آوردند، حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «این خانم از خاندان موجهی است و نباید او را به‌عنوان کنیز به ازدواج درآورد و خودش باید همسر خودش را انتخاب کند» و خود او امام حسین(ع) را به همسری انتخاب کرد، بنابراین اصل شبهه از اساس منتفی شد.

وی در پایان گفت: علمای شیعه اهل منطق، گفت‌وگو و استدلال هستند، بنابراین اگر دیگران شبهه و سؤالی دارند باید در جمع علمی مطرح کنند، نه در خطبه نماز جمعه که سبب شود رسانه‌های اجنبی و صهیونیستی استفاده سوء از آن کنند.

حبنا ایمان و بغضنا کفر

دوست داشتن ما، ایمان است و دشمن داشتنمان، کفر.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

بدون اتلاف وقت آگهی تون رو سفارش بدید
فقط لازمه
به‌شماره‌همراه
0902 00 370 88
دریکی از شبکه‌های اجتماعی
درخواست آگهی تون رو بفرستید.
بقیه کارهاش با ما
090 200 370 88